

زکات در اسلام (۱)

محسن قرآتی

چند جمله‌ای درباره زکات می‌خواهم خدمتتان عرض کنم:

یکی این که زکات، عدل نماز است؛ یعنی همتای نماز است. در ۲۷ آیه قرآن وقتی خدا می‌فرماید نماز بخوانید می‌گوید زکات هم بدهید. نمی‌شود انسان نماز بخواند اما نسبت به فقرا و گرسنگان بی‌تفاوت باشد.

دوم این که حضرت رسول صلی الله علیه و آله آمد داخل مسجد به پنج نفر فرمود: از مسجد بیرون بروید؛ عده‌ای از اصحاب پرسیدند یا رسول الله! چرا اینها را از مسجد بیرون می‌کنید؟ حضرت فرمود: اینها نماز می‌خوانند ولی زکات نمی‌دهند!

سوم این که روایت داریم نماز بی‌زکات قبول نیست؛ نماز و زکات اگر با هم باشند مورد قبول است. ریل راه آهن باید دو تا باشد تا قطار بتواند حرکت کند؛ نماز با زکات باید باشد. گنبد اسلام روی پنج پایه استوار است که یکی از آنها نماز است و یکی زکات.

قرآن در آیه ۴۱ سوره حج می‌فرماید :

«اگر خدا به مؤمنین امکاناتی در روی زمین داد، اولین کاری که انجام می‌دهند اقامه نماز، پرداخت زکات و امر به معروف و نهی از منکر است.»

زکات فقط مربوط به اسلام نیست ادیان دیگر هم زکات داشته‌اند. آیه قرآن است که حضرت عیسی علیه السلام فرمود: «أوصانی بالصلوة و الزکاة»؛ (۲) «خدا مرا به نماز و زکات سفارش کرده است.»

در مورد حضرت موسی علیه السلام در قرآن می‌خوانیم که به مردم می‌فرمود :

«أقیموا الصلوة و آتوا الزکاة»؛ «نماز به پا دارید و زکات بدهید».

درباره عموم انبیاء دارد علت این که ما اینها را امام قرار دادیم این بوده که اقامه نماز و ایتاء زکات داشتند: «جَعَلْنَاهُمْ أئِمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَ أَقَامَ الصَّلَاةَ وَ آتَاءَ زَكَاةً» (۳)

اصلاً دین پایدار دینی است که به فقرا رسیدگی کند. در قرآن می‌فرماید:

«و مَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ» (۴)

تا می‌رسد به اینجا که می‌فرماید :

«و يُوْتُوا الزَّكَاةَ» (۵)

بعد می‌فرماید: «و ذلك الدين القيمه»؛ یعنی دینی که در آن مردمش نماز بخوانند ولی در آن جامعه عده‌ای گرسنه باشند این دین پایدار نیست.

به هر حال هر قومی، هر اجتماعی، هر طایفه‌ای که به وجود آمده یک فکری به حال فقرا کرده‌اند، و لذا کمک به فقرا در سوره‌های مکی است؛ یعنی قبل از آن که اصلاً حکومت اسلامی در مدینه تشکیل شود در سوره‌های مکی سفارش به زکات ذکر شده است.

منتها زکات در مکه کلی انفاقات بوده یا انفاقات مستحیی، ولی در مدینه دیگر حساب و کتاب پیدا کرد. معلوم شد که از چه چیزی زکات بگیریم؟ چگونه بگیریم؟ به چه کسانی تقسیم کنیم؟ مقدار زکات چقدر باشد؟ نصابش چقدر باشد؟ یعنی قانونمند شد در مدینه.

بنابر این، اصل کمک به فقرا منتظر مکه و مدینه نیست، بلکه باید از همان اول به فکر فقرا بود. پس اصل این است که باید شکم گرسنه‌ها را سیر کرد، منتها بعد این مسئله مطرح می‌شود که چه کسی بازنشستگی داشته باشد، چه کسی حقوق بگیرد، چه کسی دائمی باشد، چه کسی از طریق کمیته امداد باشد، چه کسی از نهادهای باشد، چه کسی از دولت باشد، چه کسی از ملت باشد؟

برنامه ریزی قانونمند زکات در سال دوم هجری در مدینه بود؛ یعنی بعد از این که حضرت هجرت کردند به مدینه قانون زکات آمد. مسؤل مستقیم زکات هم شخص پیغمبر صلی الله علیه و آله است. قرآن می‌فرماید: «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً» (۶) «تو باید از مردم صدقه بگیری» و صدقه در اینجا یعنی زکات.

میان چه کسانی زکات را تقسیم کنیم

میان هشت گروه: فقرا، مساکین، ور شکسته‌ها، اسیرها را بخرید آزاد کنید، در راه مانده‌ها، مثلاً طرف تاجر بوده فعلاً ماشینش در دره افتاده یا کشتی‌اش غرق شده یا خانه‌اش آتش گرفته، گروه بعدی جذب کردن دلها و تمام کارهای خیر مثل ساختن پُل، درمانگاه، تهیه جهیزیه، داماد کردن جوانان، عروس کردن دخترها و همه کارهای خیر. هشت مورد است که در قرآن دقیقاً ذکر شده است. (۷)

زکات یعنی پاکی، یعنی رشد و نمو. زکات، آدم را پاک می‌کند؛ یعنی آدمی که زکات می‌دهد خودش را از بخل پاک می‌کند، از حرص پاک می‌کند، از تکاثر و مال اندوزی پاک می‌کند.

بد نیست اینجا شبهه‌ای را مطرح کنم: دینی که می‌گوید خمس و زکات و انفاق بدهید یعنی همیشه جامعه دو قطبی است: فقیر و غنی؛ شبهه این است که چرا اصلاً اسلام می‌پذیرد یک چنین جامعه‌ای را؟ چرا اسلام قبول می‌کند که در جامعه یک عده پول دار باشند و یک عده گرسنه، بعد به پول دارها بگویند شما را به خدا یک صدقه‌ای بدهید. خمس بدهید، زکات بدهید! اصلاً چرا باید قبول کنیم که در جامعه‌ای گرسنه وجود داشته باشد بعد التماس کنیم به پول دارها که به گرسنه‌ها رسیدگی کنید؛ بلکه بهتر است از اول کاری کنیم که اصلاً گرسنه و فقیر نباشد. این شبهه ممکن است مطرح بشود.

جواب این است که ما چند رقم فقر داریم:

۱- بعضی فقرها به سبب تن پروری است.

حدیث داریم به آدمهای تن پرور زکات ندهید. کسی که می‌تواند دنبال حرفه‌ای برود، کار بکند و نان در بیاورد به او کمک نکنید.

۲- بعضی فقرها به سبب بی‌سوادی است.

طرف نرفته یاد بگیرد که چگونه از این آب و خاک استفاده کند، به اینها باید آموزش داد.

۳- بعضی فقرها طبیعی است.

مثلاً دو نفر می‌روند کنار دریا ماهی بگیرند، هر دو نفر تور می‌اندازند، در یکی از این تورها خیلی ماهی می‌افتد ولی در تور دیگری اصلاً.

در چنین موردی این گونه نیست که طرف بلد نباشد یا تن پرور باشد یا بی‌سواد باشد یا ناآگاه باشد یا بی‌تجربه باشد؛ استثمار، رشوه یا هیچ چیز دیگری در کار نبوده بلکه ماهی در تورش نرفته. یا مثلاً بارندگی نشده کشت طرف از بین رفته یا مثلاً آفتی آمده یا مثلاً یک بیماری پیش آمده یا تصادفی کرده یا آتش سوزی شده.

به هر حال، ما وقتی می‌گوییم زکات، به حوادث پیش بینی نشده نظر داریم؛ حوادث طبیعی.

۴ - فقر انتخابی.

یعنی طرف می‌توانسته پول پیدا کند پول را رها کرده، رفته سراغ کاری که تشخیص داده لازم است انجام دهد و بعد فقیر شده. در این مورد هم فقر این گونه نبوده که به جهت تن‌پروری یا فرار از کار یا شانه خالی کردن از زیر بار مسئولیت بوده باشد. بلکه طرف شاید آدم زرنگی بوده متنها «للفقراء الذین أحصروا فی سبیل الله» (۸) یعنی مثلاً طرف رفته حرف حقّی را بزند گرفته‌اند زندانش کرده‌اند، حالا زن و بچه‌اش نان ندارند بخورند.

پس ما در زکات به دو گروه از فقرا رسیدگی می‌کنیم:

۱ - فقیرانی که به سبب قیام به حقّ دچار فقر شده‌اند؛

۲ - فقیرانی که فقرشان علت طبیعی داشته؛ مثل کسی که ماهی در تورش نرفته یا حادثه‌ای برایش اتفاق افتاده.

اما فقیرانی که به سبب بی‌تجربگی یا ناشی‌گری یا تن‌پروری به فقر مبتلا شده‌اند اینها حسابشان جداست.

گاهی هم بر اساس ابتکارات، استعدادها متفاوت است؛ یک نفر ۵ ساعت کار کند خسته می‌شود ولی یک نفر با ۱۵ ساعت کار خسته می‌شود؛ یک نفر ۵ ساعت کار می‌کند ولی ۱۰ تا بچه دارد ولی یک نفر هم ۱۵ ساعت کار می‌کند و یک بچه دارد؛ بعداً این پولدار می‌شود و آن، فقیر. خمس و زکات برای این چاله چوله‌هاست؛ باید اینها را پُر کند.

اهمیت زکات

چند جمله هم درباره اهمیت زکات ذکر کنم. اصولاً ما باید چند چیز را باور کنیم :

اول باید باور کنیم که این مالهایی که داریم مال خودمان نیست. ما مثل کارمند بانک هستیم. یک روز می‌گویند در این باجه بایست و پول بگیر و یک روز هم می‌گویند در آن باجه بایست و پول بده؛ نه آن روزی که در آن باجه صدها میلیون پول می‌گیریم مال خودمان است که بخواهیم به هوا بپریم و شادی کنیم و نه آن روزی که باید صدها میلیون در آن باجه بدهیم سخته کنیم؛ نه گرفتن پول معلّق زدن دارد و نه دانش سخته؛ مال ما نیست؛ بدانیم که خودمان امانت هستیم، اموالمان هم امانت است.

«انا لله»؛ قرآن می‌گوید مال، مال خداست؛ «اتاکم الله»، «رزقکم الله» یعنی باوَرْت نیاید، که مال خودت است. اشکال قارون هم همین بود که وقتی به او گفتند: «أحسن کما أحسن الله الیک»؛ (۹) یعنی خدا به تو مال داده، تو هم به فقرا بده؛ گفت: خدا نداده! «أنا أوتيته علی علمِ عندی» (۱۰)؛ یعنی من یک علمی در نزد من است، این از مدیریت من است، من یک اقتصاددان هستم، تخصص دارم. قارون می‌گفت این، مال مغزم است، نتیجه بازوی من است. اشکال قارون همین بود.

اما حضرت سلیمان علیه السلام می‌فرمود: «هذا من فضل ربی» (۱۱) این را خدا داده؛ آن هم نداده برای عیّاشی بلکه «لِیَبْلُوَنی»؛ یعنی می‌خواهد مرا امتحان کند «أشکرُّ أم أکفرُّ» آیا شاکرم و تشکر می‌کنم یا این که کفران می‌کنم.

باید باورمان بیاید که اولاً این مالی که داریم مال ما نیست؛ ثانیاً؛ این مال دلیل بر امتیاز ما نیست؛ چون قرآن نفرموده «ان اکرمکم عندالله کسی که ثروت بیشتری دارد!» هیچ یک از پُستهای جمهوری اسلامی بر اساس پول نیست.

این گونه نیست که اگر از کسی بپرسند از چه کسی تقلید می‌کنی بگوید از مرجع تقلیدی که پولش بیش‌تر است! یا چه کسی قاضی باشد، کسی که پولش بیش‌تر است! یا چه کسی امام جماعت شود، هر کس که پولش بیشتر است! یا چه کسی در دادگستری شهادت بدهد، هر کسی که پولش بیش‌تر است! یا چه کسی وکیل یا رئیس مجلس بشود، هر کس که پولش بیش‌تر است! یا چه کسی رهبر شود، هر کس که پولش بیش‌تر است! هیچ کجا در هیچ کدام از عزل و نصبهای حکومت اسلامی، پول مطرح نیست.

ثالثاً باور کنیم که اگر با پول کمک کردیم از طریق خمس و زکات و دلهایی از محرومین را جذب کردیم جذب دل محرومین ارزشش بیش از جذب مال است.

من صد میلیون داشته باشم اما فقرا مرا فحش دهند بهتر است یا ۸۰ میلیون داشته باشم ولی فقرا مرا دوست داشته باشند؛ این ۲۰ میلیون را حساب کنم؛ این ۲۰ میلیون را کمک کنم از طریق خمس یا زکات و با آن دلها را به خودم جذب کنم یا با این بیست میلیون پولها را به خودم جذب کنم.

باید باور کنیم ارزش جذب دل بیش تر از جذب پول است. دعای محرومین چقدر برای انسان در دنیا و آخرت سودمند است. از همه اینها گذشته، شاید خود ما فردا فقیر بشویم؛ یک قهرمان ممکن است بر اثر یک پوست خیار، ویلچری بشود، از پشت بخورد زمین، قطع نخاعی بشود و روی ویلچر بنشیند. ممکن است حافظه را از ما بگیرند و ما حتی اسم خودمان را فراموش کنیم.

مغرور نشویم به مال. باور کنیم که خدا قول داده است که اگر مالت را در راه خدا بدهی خدا جایش را پُر می کند. متن قرآن است، خداوند در آیه ۳۲ سوره سبأ می فرماید:

«فَهُوَ يُخْلِفُهُ»؛ یعنی خدا جایگزین می کند؛ اگر بدهی جایش پُر می شود.

امام صادق علیه السلام فرمود:

«به شیعیان من بگوئید من ضامن هستم اگر خمس بدهید مالتان کم نشود.»

ما خیال می کنیم به ظاهر کم می شود ولی در باطن زیاد می شود. مثل درخت انگوری که کشاورز می آید شاخه هایش را قیچی می کند، هر کس نگاه کند فکر می کند درخت کوتاه شده در حالی که میوه این درخت با این کار بیش تر می شود.

باور کنیم کمکی که به یک فقیر می کنیم به درد قیامتمان می خورد؛ اصلاً لذت ببریم از این که یک فقیر سیر شد، یک شکم گرسنه سیر شد. باور کنیم این روایت را که امام فرمود:

«اگر به فقرا کمک کنید این کمک شما به صورت یک قیافه زیبا در برزخ همدم شما می شود و دیگر تنها نیستید.»

باور کنیم اگر به فقرا نرسیم فقرا و گرسنه ها یک وقتی می رسد که مثل یک انقلاب منفجر می شوند و می آیند کل مال ما را می گیرند؛ جان که به لبشان برسد دست به انقلاب می زنند.

باور کنیم چیزهایی که به عنوان تاریخ، قرآن برای ما نقل کرده که ببینید که فلانی پولهایش را در راه خدا نداد چطور شد؛ ببینید آن افراد تصمیم گرفتند از باغشان میوه ها را به فقرا ندهند، اول شب هم خوابیدند تا سحر بروند میوه ها را بچینند و انبار کنند تا وقتی آفتاب طلوع کرد همه میوه های باغ انبار شده باشد تا فقیرها بیدار نشدند. آمدند دیدند همه باغشان سوخته است. قصه باغی که سوخت در قرآن در سوره نون و القلم است.

باور کنیم که قارون با گنجش فرو رفت. باور کنیم که قرآن می گوید :

«جَمَعَ مَالًا وَعَدَّدَهُ يَحْسَبُ أَنَّ مَالَهُ أَخْلَدَهُ»؛ (۱۲) فکر می کند هر چی پول داشته باشد زندگی اش شیرین تر است .

باور کنیم که مسئولیت زندگیها و فقرا به دوش ماست؛ اینها را باید باور کنیم. اصلاً باور کنیم مال خود ما نیست این مال. آقای کشاورز که این خرما یا گندم را برداشت می کند، بگوید که غیر از کاری که خود او کرده یعنی بذری و دانه ای که پاشیده باقی کارها از خداست.

آیا کاری که هوا در رشد گیاه داشته یا باران یا نور خورشید یا زمین و حتی حیات و قدرت خود این کشاورز مگر از خدا نیست؟ حتی قدرت بدنی او از خداست، علم کشاورز هم از خداست. اگر کشاورز برای کاری که کرده سهم بخواهد باید سهم خدا را هم بدهد؛ چون خداوند، خورشید و نور و هوا و اکسیژن و باران و باد را داده تا این یک خوشه رشد کرده، آیا خدا از تک تک این نعمتها و زمینه‌های رشد گیاه سهم ندارد؟!

وقتی گفته می‌شود خمس بدهید، نباید گفت من خودم تجارت کردم، چون خیلیها زحمت کشیدند تا تو پولدار شوی؛ این امنیت، این پلیس، اسفالت جاده، برف جاده را کنار زدند، آن شخص مرز را حفظ کرده، ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کار بوده‌اند تا تو رفته‌ای مغازه را باز کرده‌ای و پولی به دست آورده‌ای. نگو از خودم است.

پس باید مالیات داد، باید خمس داد، باید زکات داد. به هر حال، به وسوسه‌های شیطان نگاه نکنید.

قرآن می‌گوید وقتی می‌خواهید کمک کنید شیطان می‌گوید: نمی‌خواهد کمک کنی، هنوز پیری داری، کوری داری، هنوز دو تا دخترت را عروس نکرده‌ای، پسر را داماد نکرده‌ای؛ این وسوسه‌ها مال شیطان است. قرآن می‌فرماید :

«الشيطان يَعدُّكم الفقر» (۱۳)

شیطان است که می‌آید و می‌گوید: تو در آینده پیری و کوری داری به فقرا چیزی نده. اما باید به کسی که این گونه فریب شیطان را می‌خورد بگویم: تو حیف هستی، تو خلیفه خدا هستی چرا به پول چسبیده‌ای؟ خدا می‌فرماید :

«أنتی جاعلٌ فی الارض خلیفه» (۱۴)

ارزش تو خیلی بیش‌تر از مال است :

«أرضیتم بالحویة الدنيا» (۱۵)

تو با ندادن پول، خودت را تبدیل به یک گاو صندوق گوشتی می‌کنی؛ آدم بخیل هم یک گاو صندوق است منتها یک گاو صندوق گوشتی! آیا حیف نیست خلیفه خدا، گاو صندوق بشود؟! آیا نباید حساب کنیم که پول ندادن به فقرا چه مفاسد و چه خطراتی به دنبال دارد؟! فقرا در اموال اغنیا شریک هستند، حق دارند؛ چیزهایی که مال ماست می‌پرد :

«ما عندکم یَنفَدُ و ما عند الله باقی» (۱۶)

در روایت است که گوسفندی بود سر بریدند گوشتش را تقسیم کردند، مقداری از گوشت آن را برای حضرت نگه داشتند؛ حضرت پرسید: گوشت این گوسفند را چه کردید؟ گفتند: آقا، همه‌اش رفت، مقدار کمی برای خودمان مانده، حضرت فرمود: نگویید همه‌اش رفته، بگویید همه‌اش مانده است.

بنابر این باید خیلی به زکات عنایت داشته باشیم. ما باید باور کنیم این حدیث را که اگر کسی زکات مال خود را به طور کامل بپردازد و در جای خودش مصرف شود دیگر روز قیامت از او نمی‌پرسند اموالت را از کجا آوردی.

روایت داریم که پرداخت زکات در امروز کلید دریافت رحمت خداوند در قیامت است. بر عکس اگر کسی امروز زکاتش را ندهد بیش‌ترین حسرت و خسارت را در قیامت خواهد داشت.

باز در روایت داریم هر دانه گندم و جو و امثال آن که به قصد زکات داده شود برای هر دانه‌اش قصرهایی از طلا و نقره و جواهر و لؤلؤ و زبرجد و نور در بهشت به ما خواهند داد.

در روایت است که اگر کسی زکات را عاشقانه پرداخت کند، این کار کفاره گناهانش می‌شود. اگر اینها را بدانیم دیگر راحت پول می‌دهیم؛ چه خمس، چه زکات.

اگر بدانیم که اگر امروز فقرا را سیر کنیم روز قیامت سیر خواهیم شد؛ اگر امروز افرادی را سیراب کنیم در قیامت تشنه نخواهیم بود؛ اگر امروز افراد برهنه‌ای را بپوشانیم در قیامت برهنه نخواهیم بود؛ اینها، همه حدیث دارد؛ در کتاب جامع الاحادیث، ج ۹.

زکات چه برکاتی دارد

اول این که خدا قول داده زکات را رشد می‌دهد :

«يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُرْبِي الصَّدَقَاتِ» (۱۷)

یعنی خدا ربا را محو می‌کند؛ پول حرام رشد نمی‌کند «مَالُ الْحَرَامِ لَا يَنْمُو»؛ یعنی مال حرام نمو و رشد ندارد. اگر هم رشد کند برکت ندارد. طرف پول خیلی دارد اما برکت ندارد.

خیلی خانه‌ها هست که قالبهای آن خانه‌ها ابریشم است ولی هیچ گرسنه‌ای در آن خانه‌ها سیر نمی‌شود. خانه‌هایی هم داریم که فرش ساده، موکت، گلیم در آنهاست ولی سالیانه افراد زیادی گرسنه در این خانه‌ها سیر می‌شوند. مهم این نیست که فرش ابریشم باشد یا موکت و گلیم بلکه مهم این است که روی این موکت چند نفر گرسنه سیر شدند.

مهم این نیست که دوچرخه داشته باشی یا ماشین آخرین سیستم بلکه مهم این است که با آن آیا رفتی به نماز جمعه، نماز جماعت و صلّه رحم یا نه؟ چند دفعه با این وسیله برای یاد گرفتن چیزی از جایی به جایی رفتی؟

روایت است که زکات پل اسلام است :

«الزَّكَاةُ قِطْرَةُ الْإِسْلَامِ» (۱۸)

بعد از شناخت خدا و نماز، هیچ چیزی به اندازه زکات مهم نیست .

«مَا مِنْ شَيْءٍ بَعْدَ الْمَعْرِفَةِ وَالصَّلَاةِ يَعْدِلُ الزَّكَاةَ» (۱۹)

روایات بسیاری برای زکات داریم. مثلاً در روایت داریم که پرداخت کننده زکات محبوب‌ترین فرد در نزد خداست. در روایت داریم که اگر زکات بدهید گره‌های کارت‌تان باز می‌شود. (۲۰)

قرآن می‌فرماید :

«فَأَمَّا مَنْ أَعْطَى وَاتَّقَى وَصَدَّقَ بِالْحُسْنَى فَسَنُيَسِّرُهُ لِلْيُسْرَى» (۲۱)

یعنی هر کس یک بخشش بکند و تقوا داشته باشد و حقیقت را بپذیرد، ما کارهای مشکل او را آسان می‌کنیم. طرف گره در زندگی‌اش پیدا نمی‌کند.

افرادی پول زیادی هم دارند، رفیق هم دارند، عقل هم دارند، زبان هم دارند، تحصیلات و مدرک هم دارند اما دائماً زندگی‌شان تاب می‌خورد.

قرآن می‌گوید اگر می‌خواهی گره زندگی‌ات باز بشود گره زندگی فقرا را باز کن.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «اللَّهُ اللَّهُ فِي الزَّكَاةِ»؛ یعنی شما را به خدا، شما را به خدا توجه به زکات داشته باشید

«فَأَنهَا تُطْفِئُ غَضَبَ رَبِّكُمْ» (۲۲)

یعنی رسیدگی به فقرا (زکات) غضب پروردگار را خاموش می‌کند. همین طور که خدا رحمت می‌کند، اگر شما هم رحمت کنید، یکی از صفات خدایی یعنی رحمت را در خودتان زنده کرده‌اید.

شخصی به امام گفت: برادرم از دنیا رفته زکات بر گردنش بوده و من زکات او را داده‌ام، فرمود: خیلی کار خوبی کردی تو که به قصد برادرت زکات دادی، مشکل برادرت را برطرف کرده‌ای. (۲۳)

در حدیث داریم که اگر می‌خواهید دعابتان مستجاب بشود لقمه خودتان را حلال کنید؛ هر کس می‌خواهد دعایش مستجاب شود لقمه حلال بخورد. (۲۴) لقمه حلال لقمه‌ای است که خمسش داده شده باشد، زکاتش داده شده باشد.

امام صادق علیه السلام فرمود: «لَوْ أَنَّ النَّاسَ أَذَوْا حَقَّوْقَهُمْ»؛ یعنی اگر مردم حقوقشان را بدهند؛ یعنی خمس بدهند، زکات بدهند «لَكَانُوا عَاشِينَ بِخَيْرٍ» (۲۵) زندگی همه آنها شیرین می‌شود.

به امام گفتند فلانی در خواب، خوابهای وحشتناک می‌بیند، حضرت فرمود: به خاطر این است که زکاتش را در راه درست مصرف نمی‌کند. (۲۶) یعنی اینها با هم ارتباط دارد.

در روایت دیگری از اهل سنت است که نقل شده: «تمام اسلامکم أداء الزكاة» (۲۷) یعنی اسلام شما وقتی کامل است که حق خدا را بدهید.

یک روز امام صادق علیه السلام آداب و نحوه گرفتن زکات را از نامه ۲۵ نهج البلاغه برای مردم نقل کردند. بعد گریه کردند و فرمودند: به خدا قسم حرمتها را شکستند، به کتاب خداوند و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله عمل نکردند. (۲۸)

زکات، درمان دردهای اقتصادی جامعه است؛ بسیاری از خلایفایی که افراد مرتکب می‌شوند به دلیل فقر است. اگر با زکات و خمس شکم فقرا سیر شود آمار خلایف کاربها کم می‌شود.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در آخرین خطبه‌شان، فرمودند: ای مردم! زکات مالتان را بپردازید، هر کس زکات مالش را ندهد نه نمازش قبول است و نه حجش و نه جهادش. (۲۹)

در حدیث دیگری داریم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله قسم خورد که جز مشرک کسی در مورد زکات خیانت نمی‌کند. (۳۰) کسی که در مورد زکات خیانت می‌کند مشکل توحیدی دارد. اصلاً شرط اینکه ما به کسی بگوییم برادر دینی، این است که زکات بدهد. قرآن می‌فرماید:

«فَان تَابُوا وَاَقَامُوا الصَّلَاةَ وَاَتُوا الزَّكَاةَ فَاخْوانُكُمْ فِي الدِّينِ» (۳۱)

یعنی اگر کسی اهل نماز و زکات بود، برادر دینی است. اما اگر کسی اهل نماز نبود یا اهل کمک به فقرا نبود برادر دینی نیست.

شما با زکات چقدر کینه‌ها را بر طرف می‌کنید. چقدر بغضها را تبدیل به محبت می‌کنید. چقدر می‌توانید بنیة دینی مردم را تقویت کنید. امام رضاعلیه السلام فرمود:

دلیل و فلسفه زکات یکی این است که فقرا سیر شوند و دیگری، تقویت و کمک رسانی است در امور دینی.

چون از محل زکات با پولی که به دست می‌آید مدرسه، کتابخانه، مسجد، مراکز دینی و فرهنگی ایجاد می‌شود و از دانشمندان دعوت به عمل می‌آید و کلاسهای مفیدی تشکیل می‌گردد که باعث تقویت دین مردم می‌شود؛ تا با القاء یک شبهه از سوی دشمن، مردم دست از مکتب خود برندارند، زکات و خمس بیمه کننده بنیة دینی مردم و عقاید و فکر آنهاست. (۳۲)

به هر حال، زکات یک میدان آزمایش عجیبی است. کسانی که باید زکات بدهند فقط کشاورزان نیستند بلکه تاجرها هم باید زکات بدهند. یکی از کانال خمس باید کمک کند، دیگری از کانال زکات و آن کسی هم که پول ندارد، آبرو که دارد، زکات آبرویش را بدهد؛ چون آبرو هم زکات دارد؛ طرف می‌تواند با استفاده از آبرویی که دارد یک تلفن بکند و مشکل کسی را حل کند بدون این که حق کسی از بین برود.

ممکن است کسی با تلفنی که می‌زند حق کسی را بگیرد و به کس دیگری بدهد، این، گناه است. اما مثلاً دکتری وقت اداری‌اش تمام شده کسی با او رفیق است به او می‌گوید ۱۰ دقیقه اضافه‌تر بمان و این مریض را هم ببین، اینجا حق کسی ضایع نمی‌شود بلکه حق خود دکتر است.

گاهی کسی خطش خوب است یا کامپیوتر بلد است یا شنا یا ماشین دارد، سواد دارد؛ هر کس هر چیزی دارد باید بخشی از آن را در راه خدا بدهد. ما دیر یا زود از دنیا خواهیم رفت آیا نمی‌خواهیم نسل خوبی داشته باشیم؟ وقتی نسل ما خوب است که بچه‌های ما لقمه حلال بخورند. لقمه‌ای حلال است که خمس و زکاتش داده شده باشد. آیه‌ای در قرآن داریم که خداوند می‌فرماید :

«و لولا دفعُ الله الناس بعضهم ببعض لفسدت الارضُ» (۳۳)

یعنی اگر بعضی از مردم نباشند اصلاً دنیا فاسد می‌شود.

امام صادق علیه السلام در ذیل این آیه شریفه فرمود: «قطعاً خداوند به واسطه کسانی از شیعیان ما که زکات می‌دهند بلا و خطرات را از سایر مردم دور می‌کند.» (۳۴)

امیرالمؤمنین می‌فرمایند:

«هیچ فقیری گرسنه نیست مگر آن که یک توانمند در کنار او پر خوری کرده است.» (۳۵) در روایات زیادی هست که اگر مردم حق خدا را به فقرا بدهند، اصلاً فقیری روی زمین باقی نمی‌ماند.

امام صادق علیه السلام فرمود :

«هیچ برهنه و محتاج و گرسنه‌ای در جامعه وجود ندارد مگر این که اغنیا و ثروتمندان گناه می‌کنند و حق خدا را نمی‌دهند.» (۳۶)

اغنیا می‌تواند با دادن پول به صورت مضاربه به جوانان مشکل خلیجها را حل کنند. همین بورسیه تحصیلی که بعضی مؤسسات می‌دهند، با این کارها هم اشتغال ایجاد می‌شود، هم شکمها سیر می‌شود، هم سطح علمی جامعه بالا می‌رود.

زمینه‌هایی وجود دارد که می‌شود کار کرد، اوقات فراغت را می‌توان پر کرد؛ اگر ایام فراغت پر شود مفاصد تا حد زیادی کاهش می‌یابد .

اگر مشکل کار داریم، مشکل اشتغال داریم، در جامعه دلسردی داریم، ایام فراغت را نمی‌دانیم چه کنیم، نبوغها هدر می‌رود، اگر افسردگیها زیاد است، تبه‌کاری به دلیل بیکاری داریم، رکود، عقده، فتنه و... تمام اینها با یک بسیج این که هر کس هر چه در اختیار دارد با قصد قربت در اختیار دیگران هم بگذارد درست می‌شود.

یک تاجر فکر نکند پولی که دارد برایش مفید است، چون وقتی نمی‌تواند از ۱۰۰ میلیون، ۲۰ میلیون آن را در اداء حقوق شرعی بدهد چگونه می‌تواند در وقت مردن از همه دارای‌اش دل بکند؟! کسی که از ۲۰ درصد مالش نگذشته است کجا می‌تواند در وقت جان دادن از همه مالش دل بکند و برود داخل قبر؟!

لذا این کسانی که خمس نمی‌دهند، زکات نمی‌دهند بسیار بد می‌میرند؛ چون مالی را که از ۲۰ درصد آن نگذشته در هنگام احتضار باید از ۱۰۰ درصد آن بگذرد؛ لذا چه بسا با بغض خدا و بی دین از دنیا برود.

با زکات و خمس، آبروی مردم را می‌توان حفظ کرد. شخصی آمد خدمت امام صادق علیه السلام پرسید: شخصی در خطأ فکری ما نیست و عقایدش منحرف است، الآن از دنیا رفته و تعدادی بچه دارد آیا ما از زکات به بچه‌های او بدهیم؟ حضرت فرمود: بله به بچه‌هایش بدهید.

اگر خودش منحرف است بچه‌هایش که گناهی ندارند. (۳۷) بله اگر چنین فردی بچه‌هایش بزرگ شدند بالغ شدند حق را هم فهمیدند ولی لجاجت کردند لازم نیست به آنها کمک کنید.

حضرت فرمود اگر کسی مثلاً یک میلیون پول را در راه حق نهد خدا جوری می‌کند که دو میلیون آن را در راه باطل بدهد. در روایت است: «مَنْ مَنَعَ مَالَهُ مِنَ الْاِخْتِيَارِ اخْتِيَاراً صَرَفَ اللَّهُ مَالَهُ فِي الْاِشْرَارِ اضطراراً»؛ (۳۸) یعنی اگر کسی با اختیار خودش پولش را به مؤمنین و خوبان نهد، خداوند کاری می‌کند که مالش را اجباراً در اختیار افراد فاسد قرار دهد. تو که شکم مؤمنی را سیر نکردی شکم فاسقی را سیر خواهی کرد.

«حَصَّنُوا اَمْوَالَكُمْ بِالزَّكَاةِ» (۳۹)

یعنی مالتان را با زکات بیمه کنید. بیمه، فقط بیمه تأمین اجتماعی و دیگر بیمه‌ها نیست. حدیث داریم «مَا ضَاعَ مَالٌ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ...» (۴۰) یعنی هر مالی که در دریا و خشکی ضایع می‌شود به دلیل این است که زکات نداده‌اند؛ پول حقی باید می‌داده‌اند نداده‌اند.

حدیث داریم اگر مردم زکات ندهند زمین برکتش را از مردم قطع می‌کند، برکت را از کشاورزی و باغهای میوه می‌گیرد. (۴۱)

در روایت داریم که «لَا تَزَالُ اُمَّتِي بَخِيرٍ مَا تَحَابُّوْا...» یعنی مادامی که مردم به هم محبت داشته باشند خیر هست «و اَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ اتَوَا الزَّكَاةَ»؛ یعنی مادامی که مردم اهل نماز و زکات و محبت به همدیگرند خیر می‌بینند، اما «فَاِذَا لَمْ يَفْعَلُوْا ذٰلِكَ»؛ یعنی اگر مردم دست از نماز، زکات و محبت به همدیگر کشیدند مبتلا می‌شوند به قحطی و خشکسالی: «اِذَا مُنِعَتِ الزَّكَاةُ ظَهَرَتِ الْحَاجَةُ»؛ یعنی اگر مردم زکات ندهند نیازشان ظاهر می‌شود یعنی فقر خودش را نشان می‌دهد (۴۲) و حال فقرا بد می‌شود «وَ سَاءَتْ حَالُ الْفَقِيْرِ» (۴۳)

اصلاً نماز خوان مگر می‌تواند بخیل باشد؟! قرآن می‌فرماید:

«اِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنوعاً اِلَّا الْمَصْلِيْنَ» (۴۴)

یعنی بعضی از مردم هستند که وقتی به خیری برسند به مردم نمی‌دهند، بخل می‌ورزند، زکات نمی‌دهند، خمس نمی‌دهند: «مَنوعاً اِلَّا الْمَصْلِيْنَ» مگر آن کسانی که نماز خوان باشند.

نماز خوان نمی‌تواند بی تفاوت باشد. در روایات داریم که قبولی تمام اعمال وابسته به قبولی نماز است و قبولی نماز وابسته به زکات؛ خیلی این مسأله مهم است. «يَا اَيُّهَا النَّاسُ اَدُّوا زَكَاةَ اَمْوَالِكُمْ فَمَنْ لَا يُزَكِّيْكُمْ لَا صَلَاةَ لَهُ وَ مَنْ لَا صَلَاةَ لَهُ لَا دِيْنَ لَهُ وَ مَنْ لَا دِيْنَ لَهُ لَا حُجَّ لَهُ وَ لَا جِهَادَ لَهُ»؛ (۴۵) یعنی ای مردم! زکات مالتان را بدهید، هر کس زکات ندهد نه نماز دارد نه دین دارد نه حج و نه جهاد.

خمس و زکات خیلی مهم است. در نقل است که حضرت موسی علیه السلام جوانی را دید که با حال معنوی خاصی نماز می‌خواند. حضرت گفت: خدایا چه نماز زیبایی می‌خواند این جوان! وحی شد که این نمازش قشنگ است ولی به فقرا کمک نمی‌کند و نمازش قبول نیست. (۴۶)

در روایت است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: کسی که نماز می‌خواند ولی زکات نمی‌دهد نمازش را مثل لباسی کهنه در هم می‌پیچند و به صورتش پرتاب می‌کنند. و به او می‌گویند تو نماز خواندی ولی حق خدا را ندادی. (۴۷) امیرالمؤمنین علی علیه السلام کسی که نماز می‌خواند ولی زکات نمی‌دهد را در کنار ربا خوار قرار داده است: «مَنْعَ الزَّكَاةِ كَأَكْلِ الرِّبَا» (۴۸) در روایت داریم که سه رقم دزد داریم یکی از آنها کسی است که حق خدا را بدزد؛ یعنی حق فقرا را بدزد.

موارد مصرف زکات

باید دقت کرد زکات هم بجا و هم دقیق مصرف بشود. اگر کسی زکات خودش را در جای خودش مصرف نکند ضامن است. خداوند در آیه ۶۰ سوره توبه می‌فرماید زکات را به ۸ گروه تقسیم کنید. لازم نیست حالا این هشت گروه به طور مساوی باشند، بلکه به ۸ گروه می‌شود زکات داد. ولی خداوند در آخر آیه می‌فرماید: «و الله علیهم حکیم»؛ یعنی خدا با علم و حکمت بی نهایتش فرموده است که این گونه تقسیم کنید؛ یعنی این دستورات، حکیمانه است. اگر زکات در جایی مصرف شود که خدا راضی نباشد خداوند آن زکات را قبول نمی‌کند.

حالا ببینیم فقیر چه کسی است و زکات را باید به چه کسی بدهیم؟ این که قرآن در آیه ۶۰ سوره توبه می‌فرماید: «أما الصدقات للفقراء...» صدقات یعنی زکات؛ چون صدقات از «صدق» است و زکات دادن علامت این است که شخص صدق دارد و راست می‌گوید و این که می‌گوید مسلمان است راست می‌گوید. کسی که می‌گوید من مسلمان هستم، می‌گوییم راست می‌گویی یا دروغ؟ پولت را بده در راه دین؛ خمس بده، زکات بده تا معلوم شود راست می‌گویی.

مثل پسری که به دختری می‌گوید: دوست دارم. دختر می‌گوید: خوب اگر راست می‌گویی صدق بده (صدق یعنی مهریه). اگر من را دوست داری ۱۰۰ تا سکه بده. این که به مهریه می‌گویند صدق به خاطر این است. از آن می‌فهمند که داماد راست می‌گوید یا دروغ.

صدقه هم یعنی علامت راستگویی شخص در دین داری؛ یعنی به فقرا کمک می‌کند یا نه! آیه می‌فرماید: صدقات (زکات) را بدهید به فقرا و مساکین.

امام صادق علیه السلام در معنای فقیر و مسکین فرمودند: فقیر کسی است که از مردم درخواست کمک نمی‌کند ولی مسکین کسی است که به قدری فشار بر او وارد است که دست‌گدایی دراز می‌کند و درخواست می‌کند. (۴۹)

البته معنای فقیر این فقیرهای کنار خیابان نیست؛ چون این فقیرها خیلی‌هایشان حرفه‌ای هستند. ممکن است کسی باشد که هم کار داشته باشد و هم درآمد داشته باشد ولی درآمدش برای خرجش کفایت نمی‌کند.

نقل شده چند تا فقیر جمع شده بودند و یک قایق یا یک کشتی خریده بودند و با آن کار می‌کردند، در عین حال قرآن به اینها می‌گوید «مسکین» با این که شریک داشتند و کار می‌کردند اما خرجشان با دخلشان جور در نمی‌آمد. قرآن به چنین افرادی عنوان «مسکین» را اطلاق می‌کند.

قرآن می‌فرماید :

«و أما السفینة فكانت لمساکین يعملون فی البحر» (۵۰)

پس این که می‌گوییم زکات را به فقیر بدهید یعنی به کسی بدهید که آه در بساط نداشته باشد!؛

ممکن است کسی یک تاکسی هم داشته باشد و کار کند ولی خرجش را نرساند؛ به دلیل این که مثلاً عیالوار است و تاکسی را شریکی است و درآمدشان کافی نیست «أما الصدقات للفقرا و المساکین و العاملین علیها...»

سومین گروهی که زکات به آنها تعلق می‌گیرد «العاملین علیها» است. عاملین زکات یعنی کسانی که مسئول هستند و زکات را می‌گیرند و جمع می‌کنند، فقرا را می‌شناسند و تقسیم می‌کنند. اینها باید تشویق شوند، البته پاداش معنوی اینها جداگانه است.

امیرالمؤمنین علیه السلام سفارشات می‌دارند. بعد می‌فرماید: شما که زکات را می‌گیرید و به فقرا می‌رسانید: «فان ذلك أعظم لاجرك»؛ (۵۱) یعنی اجر بزرگی دارید. ما باید این کار را برای خدا انجام دهیم، منتها بعضی ممکن است تمام وقتشان یا بعضی وقتشان صرف گرفتن زکات و تقسیم زکات شود باید اینها تشویق شوند.

دسته چهارم که زکات به آنها تعلق می‌گیرد «المؤلفه قلوبهم» است؛ یعنی بخشی از زکات را باید داد برای جذب دلها.

افرادی هستند که مسلمانند و مشرک نیستند اما در مرحله ضعیفی از اسلام هستند؛ این افراد برای این که به مرحله بالاتری از اسلام برده شوند باید به آنها زکات داد. امکانات فرهنگی، فکری‌شان را فراهم کنیم، با آنها مشورت کنیم، چیزی یاد آنها بدهیم، با آنها رفت و آمد کنیم و دید و بازدید داشته باشیم و بالاخره آنها را هم دستشان را بگیریم و بالا بیاوریم.

بنابر این بخشی از زکات را می‌توان برای توسعه زندگی این دسته از افراد داد. الآن کشورهای آبر قدرت را ببینید چه کار می‌کنند؟ کتاب می‌فرستند برای دنیا، کشیش می‌فرستند، دارو می‌فرستند، کارشناس می‌فرستند، دعوتنامه می‌فرستند، بورسیه، اعطای مدرک علمی، فنی، و مانند آن .

گروه پنجم که زکات به آنها تعلق می‌گیرد «فی الرقاب» است؛ یعنی با بخشی از زکات اسیرها را آزاد کنید. در طول تاریخ، تضاد، درگیری، جنگ، قتل و اسارت وجود داشته است. آنچه مهم است بررسی سرچشمه‌ها، هدفها، اخلاق و آداب و نتایج این تضادهاست.

اسلام انگیزه جنگها را رفع فتنه و دفاع و دعوت به حق می‌داند و برای زمان و مکان و کسانی که درگیرند و از جمله اسیران، برنامه‌ها و آداب بسیار عالی و حکیمانه‌ای دارد.

اسیران معمولاً کسانی هستند که در جبهه جنگ با مسلمانان اسیر شده‌اند که درباره آنها چند طرح را می‌توان تصور کرد:

۱- تمام اسیران را یکجا بکشیم؛

این کار با عاطفه و عقل و رأفت اسلامی سازگار نیست؛

۲- تمام آنها را یکجا آزاد کنیم؛

این عمل سبب می‌شود آنان پس از آزادی، دوباره تجدید قوا کنند و به جنگ ما بیایند؛

۳- آنان را در اردوگاهها نگهداری کنیم؛

این کار سبب رکود فکری، اقتصادی و تحمل هزینه زیاد است؛

۴- اسرا را در میان مسلمین تقسیم کنیم و پس از مدتی به تدریج آزاد کنیم که این طرح متعلق به اسلام و دارای امتیازاتی است، از جمله :

الف: در این طرح هزینه اسرا در میان مسلمین تقسیم می‌شود و فشاری بر نظام وارد نمی‌گردد.

ب: اسرا در میان توده امت اسلامی با برنامه‌های اسلام آشنا می‌شوند و بسیاری از آنان دست از کفر و شرک بر می‌دارند.

در تاریخ نام بسیاری از بردگان مسلمان شده، که منشأ آثار و برکات و به دست گرفتن مسئولیتهای حسّاس شده‌اند، آمده است تا آنجا که مادر شش امام معصوم ما، از جمله کنیزان بوده‌اند و فرزندان بسیاری از بردگان در زمره نوابغ قرار گرفته‌اند.

ج: کفاره روزه خوردن و یا بسیاری از اعمال ناروای دیگر، آزاد کردن برده قرار داده شده است.

د: سهمی از زکات مسلمین برای خرید بردگان و آزاد سازی آنان اختصاص داده شده است .

«و الغارمین»، این گروه، ششمین دسته‌ای هستند که زکات به آنها تعلق می‌گیرد. سهمی از زکات برای این افراد یعنی بدهکارانی است که توان پرداخت بدهی خود را ندارند.

آری، بر امام و حاکم اسلامی است که بدهی کسانی را که بدهکارند و بدهی آنها به خاطر اسراف و فساد نیست، از سهم زکات پرداخت نماید و در غیر این صورت گناهکار است.

چه بسیاری افراد آبرومندی که به سبب بدهی، گرفتار وام‌های با بهره (ربا) می‌شوند و هر روز بدهی آنان اضافه می‌گردد و به تدریج ورشکسته شده و به فروش خانه و مغازه و ماشین خود مجبور می‌شوند و آبروی چندین ساله آنان یکجا فرو می‌ریزد و فرزندانشان تحقیر می‌شوند.

اگر هر یک از احکام الهی درست عمل شود، تمام مشکلات جامعه حل می‌شود. خدای علیم و حکیم از علم و حکمت بی‌نهایت خود دستور داد تا بخشی از سهم زکات، صرف پرداخت بدهی بدهکاران شود.

بدهکاری که امروز گیرنده زکات است، همچون پیچ و مهره زنگ زده‌ای است که اگر کمی روغن به آن برسد، دوباره به حرکت درمی‌آید، فعالیت‌های اقتصادی خود را از سر گرفته و چه بسا در فاصله کمی، خودش هم از زکات دهندگان می‌شود.

مورد هفتم از موارد مصرف زکات «فی سبیل الله» است؛ یعنی هر کاری که رنگ الهی داشته باشد و خدا پسندانه و به مصلحت عموم مردم باشد. از ساخت مدارس، مساجد، مسکن برای محرومان، درمانگاهها و پلها گرفته تا برطرف کردن فتنه‌ها و کمک به ازدواج، زلزله زده‌ها، جنگ زده‌ها، کتابخانه‌ها، انجام تبلیغات اسلامی، تعظیم شعائر اسلامی، رسیدگی به یتیمان و فقرا، انجام امور دینی، اصلاح و آشتی دادن مسلمین و ایجاد اشتغال برای بیکاران و آموزش حرفه و فن برای کسانی که تخصص ندارند و دهها نمونه دیگر. (۵۲)

یکی از امتیازات دین اسلام آن است که هرگز بن بست ندارد و در کنار کارهای مشخص و رسمی، انواع کارهای داوطلبانه و آزاد نیز قرار داده است:

۱۱. اگر هفده رکعت نماز واجب و رسمی داریم، بیش از ۳۰۰ نوع نماز مستحبی داوطلبانه داریم؛

۱۲. اگر سفر حج در ایام مخصوصی است، سفر عمره در هر ماه جایز است؛

۱۳. اگر خواندن سوره حمد در نماز واجب است، بعد از آن، خواندن بیش از ۱۰۰ سوره دیگر آزاد است؛

۱۴. اگر روزه در ماه رمضان رسمی است، در تمام ایام سال - غیر از عید فطر و قربان - روزه گرفتن، داوطلبانه و اختیاری است؛

۱۵. اگر خمس و زکات به مقدار معینی واجب است، پرداخت انواع صدقات و انفاقات بستگی به اراده پرداخت کننده و شرایط دیگر دارد؛

۱۶. اگر در مصرف زکات نامی از بدهکاران، بردگان، فقرا و کارگزاران مسئله زکات آمده، عبارت «فی سبیل الله» دست همه را باز گذاشته است که هر کار خداپسندانه دیگر را نیز می‌توان انجام داد.

ممکن است کار خداپسندانه در یک زمان ساختن آب انبار باشد و در زمان دیگری خرید کامپیوتر.

اگر در زمانی چاپ کتاب، راه خداست، ممکن است در شرایط و زمان دیگر کار خداپسندانه امر دیگری باشد. بنابر این عبارت «فی سبیل الله» هر کار خیری را در بر می‌گیرد.

هشتمین و آخرین مورد مصرف زکات، «ابن السبیل» است؛ یعنی فرزندان وابسته به راه؛ کسی که اگر چه در وطن خود فقیر نیست ولی در منطقه دیگری به خاطر تصادف، به سرقت رفتن پولش، بیماری، تحصیل، گرانی و... نیاز به کمک دارد که اگر مورد حمایت قرار نگیرد، جان یا آبروی او در معرض خطر است و نیاز مالی از یک سو و احساس غربت از سوی دیگر، فشار روحی و روانی خاصی بر او وارد می‌کند.

مکتب زنده اسلام که در تمام برنامه‌هایش به مسأله جان و مال و آبرو و شخصیت افراد توجه خاصی دارد، در اینجا نیز با اختصاص دادن سهمی از زکات، هم آبروی آنان را حفظ می‌کند و هم دغدغه آنان را برطرف می‌نماید.

آداب پرداخت زکات

برای کمک به فقرا آداب فراوانی وجود دارد که مراعات آنها ارزش کار را بالا می‌برد، از جمله :

۱. آداب سیاسی

باید کمکها زیر نظر ولایت و امامت باشد، نه سلیقه‌ای و خودسرانه.

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید :

«مخفی کردن زکات از حاکم اسلامی، نوعی نفاق است.» (۵۳)

معنای مخفی کردن، گریز از پرداخت است، نه این که مخفیانه پرداخت کند.

۲. آداب روانی

پرداخت زکات باید برخاسته از رضایت قلبی و طیب خاطر باشد.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود :

«هر کس زکات مال خود را عاشقانه بدهد در برابر هر دانه گندم و جو و... قصری در بهشت دریافت می‌کند.» (۵۴)

حضرت علی علیه السلام فرمود:

«اگر پرداخت زکات با رضایت قلبی نباشد، گرفتار پشیمانی طولانی و از دست دادن پاداش و انحراف عمل خواهد شد.» (۵۵)

۳. آداب اجتماعی

اگر چه در ظاهر، زکات به شخص فقیر پرداخت می‌شود ولی در حقیقت این خداوند است که زکات را دریافت می‌کند. (۵۶)

آری پیامبر، امام و فقیر، نماینده و دست خدا هستند و لذا باید کمال احترام به آنان گذاشته شود.

امام صادق علیه السلام از یکی از یاران خود به نام اسحاق پرسید: زکات مال خود را چه می‌کنی؟ گفت: فقرا به نزد من می‌آیند و من به آنها پرداخت می‌کنم. امام فرمود: این کار تو سبب ذلت فقراست، هر کس دوست خدا را دلیل کند گویا در کمین جنگ با او نشسته است. (۵۷) به جای آن که فقرا برای دریافت زکات به خانه تو بیایند، تو باید زکات را به منزل آنان ببری.

در حدیث دیگری می‌خوانیم اگر گیرنده زکات از کلمه زکات رنج می‌برد زکات را به او بدهید ولی نگویند که این زکات است و مؤمن فقیر را دلیل نکنید. (۵۸)

امام خمینی قدس سره می‌فرماید: اگر شخصی از گرفتن زکات شرمند می‌شود مستحب است هنگام پرداخت در قلب نیت زکات کنید ولی در عمل آن را به عنوان هدیه قلمداد نمایید. (۵۹)

در اسلام، احترام گذاشتن به فقرا به قدری مهم است که در تاریخ می‌خوانیم: جنس کمی را نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آوردند؛ حضرت آن مقدار کم را به بعضی از فقرا داد ولی نگران شد که مبادا در دل دیگران کدورتی ایجاد شود. از این رو نزد سایر فقرا آمد و رسماً عذرخواهی کرد که چون مال کم بود به همه نرسید و فرمود: به کسانی دادم که حساسیت آنان بیش تر بود. (۶۰)

۴. ادب زمانی

رسول خدا صلی الله علیه وآله به علی علیه السلام فرمود:

«از اخلاق مؤمن، سرعت در پرداخت زکات است» (۶۱)

پس ادب زمانی پرداخت زکات این است که زود زکات را بدهیم. این که می‌گویند عجله کار شیطان است، عجله در کارهای دنیایی کار شیطان است ولی درباره نماز داریم: «حی علی الصلوة»؛ یعنی بشتاب؛ فاسعوا؛ یعنی بدو؛ در قرآن است که «سارعوا»، «سابقوا» یعنی در کار خیر عجله کنید.

به طرف می‌گویند: دخترت را شوهر بده، می‌گوید: حالا عجله نکن! با این که ازدواج کار خیر است و باید در آن عجله کرد. در زکات هم باید عجله کرد و مال مردم را زودتر پرداخت کرد.

۵. پرداخت علنی

نکته دیگر در آداب پرداخت زکات آن است که علاوه بر کمکهای مخفیانه‌ای که نشانه اخلاص و حفظ آبروی گیرندگان است، باید گاهی از اوقات پرداختها آشکار باشد تا هم دیگران تشویق شده و کمک کردن به دیگران جزو فرهنگ جامعه شود و هم انسان به بخل و بی‌تفاوتی متهم نشود.

واقعاً بنده لذت بردم وقتی آن شخص را دیدم که هنگام خمس دادن بچه‌هایش را هم همراه خود آورد و به بچه‌هایش گفت من هر سال می‌آیم درآمد را حساب می‌کنم و بیست درصد آن را به این آقا که جانشین امام زمان علیه السلام است می‌دهم، شما اگر فرزندان من هستید باید وقتی بزرگ شدید همین کار را بکنید.

حدیث داریم اگر به فقیر می‌خواهی پول بدهی بده بجهت آن را بدهد؛ یعنی فرهنگ این کمک به فقرا را به نسل بعد هم منتقل کن.

۶. بوسیدن دست

حضرت علی علیه السلام فرمود:

«هرگاه با دست خود به فقیری کمک کردید، همان دست را ببوسید چون در حقیقت خداوند کمک شما را دریافت کرده است.» (۶۲)

۷. درخواست دعا از گیرنده

در روایات می‌خوانیم که چون دعای فقیر در حق کسی که به او کمک می‌کند مستجاب می‌شود، از فقیر تقاضا کنید تا در حق شما دعا کند. (۶۳)

۸. تمام اموال خود را ندهید

امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه «و اتوا حقه یوم حصاده و لا تسرفوا...» فرمود: شخصی از یاران پیامبر صلی الله علیه وآله تمام اموال خود را در راه خدا داد ولی خود و همسر و فرزندانش محروم ماندند، خداوند این نحوه پرداخت را اسراف می‌داند. (۶۴)

۹. مکان پرداخت زکات

در نقل است همین که اموال یاران رسول خدا صلی الله علیه وآله به مقدار نصاب می‌رسید، زکاتشان را به مسجد می‌آوردند و حضرت در همان مکان زکات جمع شده را میان فقرا تقسیم می‌فرمود. (۶۵)

این کار باعث می‌شود که فقرا زکاتشان را از مسجد بگیرند و رفت و آمد به مسجد زیاد شده و احساس شود که مسجد فقط برای نماز نیست، بلکه شکمها را هم سیر می‌کند.

۱۰. از مال حلال باشد

امام حسین علیه السلام فرمود:

«صدقه دل پسند، صدقه‌ای است که انسان با عرق پیشانی و غبار صورت آن را به دست آورد و به فقرا بپردازد.» (۶۶)

۱۱. از مال مرغوب باشد

قرآن می‌فرماید:

«لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ»؛ «یعنی به نیکی نمی‌رسید مگر آن که از چیزی که دوست دارید، در راه خدا انفاق کنید».

مقدار دریافت زکات

این مقدار باید در حدی باشد که طرف از فقر خارج شود.

شخصی به امام صادق علیه السلام گفت: فلانی منزلی دارد که چهار هزار درهم ارزش دارد، شتری دارد که هر روز دو تا چهار درهم علاوه بر هزینه علف سود دارد، به علاوه همسر و غلام هم دارد. امام فرمود: آیا از من می‌خواهی که او را وادار کنم منزلی که زادگاه و سبب عزت اوست یا غلام و شتری که وسیله زندگی اوست را بفروشد؟ هرگز؛ او می‌تواند زکات بگیرد و لازم نیست خانه و شتر و غلامش را بفروشد. (۶۷)

در نقل است که به امام صادق علیه السلام گفتند: عیسی بن اُعین به فقیری چنین گفت: «چون دیدم که تو گوشت و خرما خریدی پس فقیر نیستی و با این که زکات دارم به تو نمی‌دهم» هر چقدر آن فقیر عذر آورد که خرید گوشت و خرما دائمی نبوده است، بر عیسی بن اُعین اثر نکرد.

امام پس از شنیدن این جریان برای مدتی دست مبارکش را بر پیشانی گذاشتند سپس سر را بلند کردند و فرمودند: خداوند عنایتی به اموال اغنیا و توجهی به اموال فقرا فرمود، پس در اموال اغنیا سهمی که برای فقرا کافی باشد قرار داد. (۶۸)

در روایت دیگری است که از امام صادق علیه السلام پرسیدند: از سهم زکات تا ۱۰۰ درهم به فقیر بدهم؟ حضرت فرمود: بله. پرسیدند: از سهم زکات تا ۲۰۰ درهم به فقیر بدهم؟ فرمود: بله. پرسیدند: از سهم زکات تا ۳۰۰ درهم به فقیر بدهم؟ فرمود: بله. پرسیدند: از سهم زکات تا ۴۰۰ درهم به فقیر بدهم؟ فرمود: بله، پرسیدند: تا ۵۰۰ درهم بدهم؟ فرمود: بله. آن قدر بده تا او را بی‌نیاز کنی. (۶۹)

این مثل آن است که کسی بپرسد بچه‌ام مریض شده چند تا قرص بدهم بخورد؟ آیا یک قرص یا دو قرص یا بیش‌تر؟ جواب این است که آنقدر بده تا خوب شود.

امام صادق علیه السلام از حضرت علی علیه السلام نقل می‌فرماید که :

«زکات برای کسانی است که نه مقام حکومتی دارند و نه ساختمان و نه ثروت و تجارتی و نه برای اجیر شدن آشنایی با حرفه‌ای دارند و نه توان بدنی برای کارهای ساده؛ پس خداوند در اموال اغنیا سهمی را برای این افراد واجب فرموده است به مقداری که در زندگی فلج نباشند و بتوانند روی پای خود بایستند.» (۷۰)

از امام پرسیدند: زندگی شخصی از طریق پدر یا عمو یا برادرش در حد ساده تأمین می‌شود آیا می‌تواند برای توسعه زندگی زکات بگیرد؟ امام فرمود: مانعی ندارد. (۷۱)

آدابی که گیرندگان زکات باید توجه کنند

۱. آنچه می‌گیرد در موارد ضروری صرف کند.

گاهی شخصی می‌آید با گریه زکات می‌گیرد بعد آن را می‌برد در گج‌بری خانه‌اش یا تعویض سرویس صندلی و مبیل یا تعویض انگشتر یا رنگی کردن تلویزیون مصرف می‌کند!

۲. از پرداخت کننده زکات تشکر و در حق او دعا کند.

این جور نباشد که گیرنده زکات بگوید: باید زکات بدهد؛ دارد باید بدهد چشمش کور!

۳. از پرداخت کننده را تحقیر کند و نه آنچه را می‌گیرد.

۴. اموال شبهه‌ناک را نگیرد.

۵. بیش از نیاز خود نگیرد.

گیرندگانی که اولویت دارند

۱. والدین؛

۲. طرقداران مکتب اهل بیت؛

۳. کسانی که از لحاظ ایمان و عقل و تقوا برترند؛

۴. آبرومندانی که از درخواست کردن خجالت می‌کشند؛

۵. کسانی که نیاز بیش‌تری دارند؛

۶. نروتمندان دیروز؛

۷. اهل منطقه؛ در روایت می‌خوانیم رسول خداصلی الله علیه وآله زکات بادیه نشینان را به بادیه نشینان و زکات شهر نشینان را بین شهر نشینان تقسیم می‌فرمود. (۷۲)

شیوه گرفتن زکات

حضرت علی علیه السلام در نامه بیست و پنجم نهج البلاغه دستوراتی به دست‌اندرکاران دریافت زکات می‌دهد که چون آن دستورات امروز برای همه کسانی که از طرف دولت اسلامی برای انجام مأموریتی به سراغ مردم می‌روند مفید است؛ برخی از نکات این نامه را نقل می‌کنیم:

۱. انگیزه تو برای زکات، تقوای الهی باشد، نه ریاست، نه امرار معاش و...

«انطلق علی تقوی الله وحده...»

۲. هیچ مسلمانی را مترسان فکر نکن که چون مأمور حکومت هستی باید مردم از تو حساب ببرند و تو متکبران بر آنان وارد شوی:

«لا تروعن مسلماً.»

۳. در صورت کراهت مردم، حق نداری وارد زمین و مزرعه و باغ آنان شوی:

«لا تجتازنّ علیه کارها.»

۴. بیش از حق خدا زکات نگیر:

«لا تأخذنّ منه اکثر من حق الله.»

۵. هرگاه بر قبیله‌ای وارد شوی، به منزل مردم نرو بلکه کنار چشمه و چاه و قنات آبی فرود آی:

«انزل علی مائهم من غیر أن تخالط ابیاتهم.»

مهمان شدن کارمندان آفاتی دارد، از جمله ممکن است به خاطر پذیرایی، قلب کارمند جذب صاحب خانه شود و در گرفتن حق خدا از او سهل‌انگاری کند و ممکن است مردم میزبان را واسطه قرار دهند تا مأمور کم‌تر بگیرد، یا ممکن است میزبان در قبیله خود افتخار و از میزبانی خود سوء استفاده کند.

۶. در گرفتن زکات، خدا محوری را فراموش مکن و به مردم بگو: شما بنده خدا هستید و من فرستاده و مأمور خدا هستم:

(أرسلنی الیکم ولیّ الله)

و سهمی که می‌دهید حق خداست:

(لاخذ منکم حق الله.)

۷. به مردم اعتماد کن و اگر کسی گفت: حق الهی در مال من نیست، گفتارش را بپذیر و دوباره به او مراجعه نکن:

«فان قال لا، فلا تراجع.»

۸. در تمام مراحل حال مردم را مراعات کن. گله و دام را دو بخش کن و هر بخشی را صاحبش اراده کرد بردارد شما بخش دیگر را انتخاب کن؛ بار دوم بخشی را که سهم تو است به دو قسمت تقسیم کن، باز هم هر قسمت را که خواست بردارد آزاد است و این بخش کردن را آنقدر تکرار کن تا سهم زکات در آخرین تقسیم تو روشن شود. پشیمانی مردم را در انتخاب بخشی که برداشته است، بپذیر:

«فان استقالک فأقله.»

۹. حیوان پیر و از کار افتاده، دست و پا شکسته و عیب دار را مگیر:

«لا تأخذنّ عوداً و لا هرمة و لا مسکورة و لا مهلوسة و لا ذات عوار.»

۱۰. سهم خدا را به کسی بسپار که به دین و دلسوزی او نسبت به مال مسلمین اطمینان داشته باشی:

«و لا تأمننّ علیها الا من تتق بدینه رافعاً بمال المسلمین.»

۱۱. شتری که به عنوان زکات گرفته می‌شود از بچه‌اش جدا نشود:

«لا يحول بين ناقه و بين فصيلها.»

۱۲. تمام شیر آن را ندوشد و مقداری از شیر را برای بچه‌اش در پستان باقی بگذارد:

«و لا يمصر لبنها فيضراً ذلک بولدها.»

۱۳. با سوار شدن بر حیواناتی که به عنوان زکات گرفته شده‌اند آنها را خسته نکند:

«لا يجهدنها ركوباً.»

راستی اگر همین یک نامه را برای اهل توحید بخوانیم، خدا محوری آن، همه را جذب می‌کند. در این نامه محوریت خدا، در کلماتی از قبیل: تقوی الله، عبادالله، ولی الله، حق الله، کتاب الله، سنه رسول الله، امرالله؛ به چشم می‌خورد.

در این نامه احترام گذاردن به مردم نیز در جملاتی به چشم می‌خورد، از جمله:

۱. امنیت مردم در جامعه (لا تروعن مسلماً)؛

۲. امنیت مردم در مسکن و باغ و مزرعه (من غیر أن تخالط أبیاتهم)؛

۳. رفتن میان مردم (تقوم بینهم)؛

۴. اسلام بر مردم (فتسلم علیهم)؛

۵. سؤال از مردم (فهل لله فی اموالکم؟)؛

۶. اعتماد به مردم (فان قال لا، فلا تراجع)؛

۷. نرمی با مردم (من غیر أن تخفیه، توعده، تعسفه، ترهقه)؛

۸. آزار ندادن مردم (لا تسئون صاحبها)؛

۹. آزادی دادن به مردم (ثم خیره)؛

۱۰. عذر پذیری مردم (فان استقالک فأقله)؛

۱۱. اجازه گرفتن از مردم (لا تدخلها الا باذنه).

به چه کسانی زکات ندهیم؟

قرآن برای مصرف زکات هشت مورد را تعیین کرده است و در این بحث با توجه به روایات، کسانی که حق گرفتن زکات ندارند، معین شده‌اند؛ از جمله:

۱. کسانی که می‌توانند بدون مشقت حرفه‌ای بیاموزند و از طریق آن امرار معاش کنند، لازم است آن حرفه را فرا گیرند. (۷۳)

امام باقر علیه السلام فرمود: افراد تندرست و قوی نباید زکات بگیرند و نباید به آنها زکات داد. (۷۴)

۲. به کسی که شراب خوار است زکات ندهید. (۷۵)

۳. به کسانی که سر سخرانه و با علم و آگاهی با مسلمین عناد می‌ورزند و نسبت به اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله کینه و لجاجت دارند، زکات ندهید. (۷۶)

۴. به افراد ناصبی نیز زکات ندهید مگر آن که از زبان آنان بترسید و از طریق زکات بتوانید دین و آبروی خود را حفظ کنید. (۷۷)

۵. امام رضاعلیه السلام فرمود: به کسانی که انحراف آنان نسبت به اهل بیت روشن و شناخته شده است زکات ندهید. (۷۸)

۶. به کسانی که واجب‌النّفقه هستند، زکات نمی‌رسد (و کلّ من هو فی نفقتک لا تعطه). (۷۹)

۷. به افراد غنی، زکات پرداخت نمی‌شود. (۸۰)

۸. صاحبان حرفه زکات نمی‌رسد. (۸۱)

۹. به کسانی که انحراف اعتقادی دارند مثلاً خدا را جسم می‌دانند یا مسلک جبر دارند یا واقفیه و هفت امامی هستند زکات پرداخت نمی‌شود. (۸۲)

تفاوت خمس و زکات با مالیات

بعضی می‌پرسند ما که مالیات به دولت اسلامی می‌دهیم، پرداخت خمس و زکات، دیگر برای چیست؟

در پاسخ به این شبهه لازم است تنها به برخی تفاوتها فهرست وار اشاره کنیم:

۱. برآورد خمس و زکات و تخمین حساب و کتاب آن، بر اساس اعتمادی است که به خود پرداخت کننده می‌شود و هیچ نیازی به بازرسی و نظارت دیگری نیست.

در حالی که مالیات مبلغی است که دولت تعیین و محاسبه و دریافت می‌کند.

۲. گیرندگان زکات، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و جانشینان آن بزرگوار و کسانی هستند که از طرف حضرت اجازه داشته باشند در حالی که در مالیات این گونه نیست.

۳. خمس و زکات باید بر اساس عقیده و ایمان و با قصد قربت و رضای خداوند متعال پرداخت شود؛ تا آنجا که اگر مسائل عاطفی، اجتماعی، سیاسی، قبیله‌ای یا کسب شهرت و عزت در نظر باشد، گویا حق خداوند پرداخت نشده است.

ولی در پرداخت مالیات این ایمان و قصد قربت و اخلاص لازم نیست.

۴. خمس و زکات از افرادی گرفته می‌شود که توان مالی دارند ولی در مالیات این گونه نیست و گاهی بر پارچه و کاغذ و ماشین و سیگار مالیات بسته می‌شود؛ خواه مصرف کنندگان فقیر باشند یا غنی.

۵. خمس و زکات را مردم با اراده و اختیار به کسانی می‌دهند که محبوب آنها هستند ولی در مالیات نه دهنده اختیاری دارد و نه گیرنده آن محبوبیت و قداستی.

۶. مالیات نوعاً برای هزینه‌های شخصی زندگی خود ما است، ولی خمس و زکات برای کمک به دیگران است.

توضیح این که همان گونه که انسان داخل خانه را موزائیک می‌کند، مبلغی به عنوان مالیات می‌پردازد که بیرون خانه او آسفالت شود و همان گونه که درهای داخل منزل را قفل می‌زند، مبلغی مالیات می‌دهد که پلیس بیرون خانه را محافظت کند؛ برای داخل خانه کپسول آتش‌نشانی می‌خرد، مبلغی هم می‌دهد تا

دولت ماشین آتش‌نشانی به صورت آماده باش در بیرون منزل او تهیه کند. هزینه‌ای برای باغچه منزل می‌دهد و هزینه‌ای به دولت برای احداث پارک و بوستان می‌دهد.

بنابر این انسان دو نوع هزینه دارد: هزینه‌هایی که مستقیماً برای داخل خانه تهیه می‌کند و هزینه‌هایی که از طریق دولت برای رفاه و خدمات بیرون منزل به واسطه مالیات دریافت می‌کند.

پس مالیات بخشی از هزینه‌های شخصی انسان است؛ از این رو کسانی که خمس می‌دهند باید مخارج زندگی خود را از درآمد کم کنند و مالیاتی را که می‌دهند جزء مخارج زندگی آنها محسوب می‌شود. مثلاً اگر کسی در سال دو میلیون درآمد دارد و یک میلیون تومان خرج زندگی اوست و صد هزار تومان مالیات پرداخت می‌کند، این شخص به هنگام حساب سال باید صد هزار تومان را مثل یک میلیون تومان، جزء هزینه زندگی خود قرار دهد و نه صد هزار تومان را پس‌انداز و سود خود حساب کند و خمس همان نهصد هزار تومان را بپردازد.

بنابر این زکات و خمس برای خدمت به دیگران است، ولی مالیات برای دریافت خدمات دولتی برای خود ماست.

۷. در زمان امامان معصوم، حکومتها از مردم مالیات‌هایی به نام خراج و عشریه می‌گرفتند ولی باز هم مردم خمس و زکات خود را به امامان عزیز خود می‌دادند و آن بزرگواران می‌گرفتند و نمی‌فرمودند شما که خراج می‌دهید لازم نیست خمس و زکات بدهید.

۸. حاکم اسلامی و فقیه جامع‌الشرایط می‌تواند در شرایطی میزان مالیات پرداختی مردم را کم و زیاد کند و اکنون ولایت فقیه علاوه بر خمس و زکات دستور پرداخت مالیات را نیز داده است.

۹. در تمام کشورهای دنیا علاوه بر مالیات، صندوقهای خیریه و مؤسسات عام‌المنفعه‌ای وجود دارد و تمام خدمات را بر دوش دولت نمی‌گذارند.

امام مهدی علیه السلام و زکات

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله فرمود :

«قبل از ظهور حضرت مهدی علیه السلام فرهنگ اقتصادی مردم به نحوی است که حرام خواری ارزش و غنیمت، ولی پرداخت زکات خسارت شمرده می‌شود.» (۸۳)

«در آن زمان کسی را می‌بینی که ثروت زیادی نزد اوست و از آغاز مالکیت، هرگز زکات نداده است.» (۸۴)

«در آن روزگار که امام مهدی علیه السلام ظهور کند ثروتمندان باید حق خدا را بدهند و اگر ممانعت کنند گردنشان زده می‌شود.» (۸۵)

آری روز ظهور روز پایان گرسنگی و فقر است؛ اگر چه به بهای محو ثروتمندان بی درد و مرفه‌ان بی تفاوت باشد.

در روایت است که در آن روز تبعیضها از بین خواهد رفت و اموال عمومی به طور مساوی در میان مردم تقسیم خواهد شد و در آن روز کسی را که نیازمند به زکات باشد، مشاهده نخواهی کرد. (۸۶)

پی نوشت:

(۱) سخنرانی حجت‌الاسلام و المسلمین محسن قرائتی در همایش احیای زکات.

(۲) سوره مریم (۱۹) آیه ۳۱.

(۳) سوره انبیاء (۲۱) آیه ۷۳.

- (٤سوره بینه (٩٨) آیه ٥.
- (٥سوره بینه (٩٨) آیه ٥.
- (٦سوره توبه (٩) آیه ١٠٣.
- (٧سوره توبه (٩) آیه ٦٠.
- (٨سوره بقره (٢) آیه ٢٧٣.
- (٩سوره قصص (٢٨) آیه ٧٧.
- (١٠سوره قصص (٢٨) آیه ٧٨.
- (١١سوره نمل (٢٧) آیه ٤٠.
- (١٢سوره همزه (١٠٤) آیه ٣.
- (١٣سوره بقره (٢) آیه ٢٦٨.
- (١٤سوره بقره (٢) آیه ٣٠.
- (١٥سوره توبه (٩) آیه ٣٨.
- (١٦سوره نحل (١٦) آیه ٩٦.
- (١٧سوره بقره (٢) آیه ٢٧٦.
- (١٨امالی، شیخ طوسی، ج ٢، ص ١٣٦.
- (١٩فروع کافی، ج ٤، ص ٦٢.
- (٢٠رک: جامع الاحادیث، ج ٩، ص ٦٥.
- (٢١سوره لیل (٩٢) آیه ٦.
- (٢٢وسائل الشیعه، ج ٦، ص ١٠.
- (٢٣جامع الاحادیث، ج ٩، ص ٢٢٣.
- (٢٤همان، ص ٥٣.
- (٢٥همان، ص ٧٠.
- (٢٦همان، ص ٢٧٣.

- (٢٧) كنز العمال، ج ٤ ص ٩٤.
- (٢٨) وافى، ج ١٠، ص ١٥٦.
- (٢٩) مستدرک الوسائل، ج ١، ص ٥٠٧.
- (٣٠) بحار، ج ٩٦، ص ٢٩.
- (٣١) سورة توبه (٩) آيه ١١.
- (٣٢) ك: وافى، ج ١٠، ص ٥١.
- (٣٣) سورة بقره (٢) آيه ٢٥١.
- (٣٤) جامع الاحاديث، ج ٩، ص ٥٦.
- (٣٥) سفينة البحار، ج ٣، ص ٤٧٤.
- (٣٦) وافى، ج ١٠، ص ٥٠.
- (٣٧) جامع الاحاديث، ج ٩، ص ٢٨٥.
- (٣٨) بحار، ج ٩٦، ص ١٣٠.
- (٣٩) جامع الاحاديث، ج ٩، ص ٥٠.
- (٤٠) همان .
- (٤١) همان، ص ٥٢.
- (٤٢) جامع الاحاديث، ج ٩، ص ٥٨ و ص ٤٣.
- (٤٣) همان .
- (٤٤) سورة معارج (٧٠) آيه ٢١.
- (٤٥) جامع الاحاديث، ج ٩، ص ٣٠.
- (٤٦) همان، ص ٣٣.
- (٤٧) همان، ص ٦٣.
- (٤٨) تهذيب، ج ١٠، ص ١٥٣.
- (٤٩) وافى، ج ١٠، ص ١٦٤٠.

- (۵۰)سوره كهف (۱۸) آیه ۷۹.
- (۵۱)وافی، ج ۱۰، ص ۱۵۶.
- (۵۲)تحریر الوسيله، امام خمینی .
- (۵۳)بحار، ج ۹۶، ص ۲۷.
- (۵۴)جامع الاحادیث، ج ۹، ص ۳۳.
- (۵۵)همان، ص ۳۴.
- (۵۶)سوره توبه (۹) آیه ۱۸.
- (۵۷)جامع الاحادیث، ج ۹، ص ۳۵۱.
- (۵۸)همان، ص ۳۵۱.
- (۵۹)تحریر الوسيله، ج ۱، ص ۳۹۱.
- (۶۰)جامع الاحادیث، ج ۱، ص ۳۹۱.
- (۶۱)همان، ص ۴۹.
- (۶۲)منحجۃ البیضاء، ج ۱۲، ص ۹۳.
- (۶۳)کات در اندیشه‌ها، ص ۲۲.
- (۶۴)جامع الاحادیث، ج ۹، ص ۲۰۰.
- (۶۵)همان، ص ۸۶.
- (۶۶)همان، ص ۱۸۶.
- (۶۷)وافی، ج ۱۰، ص ۱۷۲ .
- (۶۸)همان، ص ۱۷۷.
- (۶۹)جامع الاحادیث، ج ۹، ص ۳۰۶.
- (۷۰)جامع الاحادیث ج ۹، ص ۲۳۶.
- (۷۱)همان، ص ۲۵۴.
- (۷۲)بحار، ج ۱۰۰، ص ۲۰.

(٧٣) تحرير الوسيله.

(٧٤) وافى، ج ٤ ص ١٧٤.

(٧٥) همان، ص ١٩٢.

(٧٦) جامع الاحاديث، ج ٩، ص ٢٨٠.

(٧٧) همان، ص ٢٧٩.

(٧٨) همان، ص ٢٧٧.

(٧٩) جامع الاحاديث، ج ٩، ص ٢٦٧.

(٨٠) وافى، ج ١٠، ص ١٦٠.

(٨١) وافى، ج ٤ ص ١٧٤.

(٨٢) جامع الاحاديث، ج ٩، ص ٢٨٧ و ٢٨٨ و ٢٧٩.

(٨٣) بحار، ج ٥٢، ص ٢٦٣.

(٨٤) منتخب الاثر، ص ٤٣٠.

(٨٥) وسائل الشيعه، ج ٤، ص ١٩.

(٨٦) بحار، ج ٥٢، ص ٣٩٠.